

# ویژگی‌های

## سینمای دینی

مهرداد فرید - رضا سالک

پس از بررسی دیدگاه‌های موجود در خصوص سینمای دینی هفت ویژگی درباره این سینما بازایی شد و از طریق درج در پرسشنامه به نمونه جامعه آماری ارائه شد. در ذیل یافته‌های تحقیق در خصوص تک تک این ویژگی‌ها بررسی می‌شود:

۱- موضوع جاذبه‌های جنسی در سینما، که میل غریزی افراد را تحریک می‌کند، محل بحث‌های مهمی در عرصه احکام شرعی است. ما نیز اولین گویه‌ای که در پرسشنامه به عنوان ویژگی سینمای دینی درج کردیم چنین است:  
«در سینمای دینی نمی‌توان برای فروش بیشتر، جاذبه‌های جنسی را با شکلی نجیبانه ارائه کرد».

این گویه هرگونه استفاده از جاذبه‌های جنسی را در فیلم‌ها به منظور کسب در آمد و سود اقتصادی منتفی می‌داند. واقعیت آن است که در این جمله از عباراتی استفاده شده که تأویل پذیراند. مثلاً کسب درآمد بیشتر و فروش بالاتر فیلم‌ها در سینما، ارتباط مستقیمی با استقبال بیش تر مردم دارد. واضح است که استقبال از فیلم‌ها فی نفسه امر مذمومی نیست. اما باید دید که این استقبال از چه چیزی صورت گرفته است. نکته دوم وجود «جاذبه‌های جنسی در شکلی نجیبانه» است. در این بخش دو مسأله «محرك» و «تحريك شونده» قابل بررسی است. افراد در مقابل جاذبه‌های جنسی «آستانه تحريك» دارند. و این آستانه تحريك حتی در تک تک افراد و در اوقات مختلف ثابت نیست. پس ممکن است یک محرك ثابت در فیلمی، فردی را تحريك کرده و فرد دیگری را تحريك نکند. به خصوص وقتی نجیبانه بودن نیز لحاظ شود آستانه تحريك افراد بالاتر می‌رود و تعداد کم‌تری تحريك جنسی می‌شوند. به هر حال ممکن است صرف حضور «زن» در فیلمی تعدادی از مخاطبان را تحريك کند. آیا می‌توان به این دلیل حضور زن را به طور صد در صد از سینما حذف کرد. واقعیت آن است که باید در این باره به اوضاع اکثریت مخاطبان - مخاطبان نرمال و طبیعی - نگاه کرد. در واقع ملاک عدم و یا وجود جاذبه‌های جنسی در فیلم‌ها «عرف» حاکم در میان مخاطبان است و آن اقلیتی که با هر محرك ضعیفی، تحريك می‌شوند، شرعاً مکلفند که خود را از

مقدمه

پژوهش «کنکاشی در سینمای دینی» به عنوان گامی در تئوریزه‌سازی اندیشه سینمای دینی، با این نیت و هدف انجام شده است که هم مشتاقان، مسئولین و دست‌اندرکاران سینما با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های موجود در خصوص «سینمای دینی» آشنا شوند و هم مسئولین فرهنگی نظام در تنظیم نظام‌نامه سینمای ایران از آن بهره گیرند.

این تحقیق در پی آن نیست تا همه آن چه که در خصوص «سینمای دینی» وجود دارد، مورد سنجش قرار دهد و مدعی هم نیست که تمامی اهالی سینما و صاحب‌نظران این عرصه را مورد افکارسنجی قرار داده است، ولی مدعی است با توجه به دقتی که در انتخاب نمونه آماری به کار رفته، می‌تواند با ارائه نتایج به دست آمده تصویری روشن از افکار حاکم بر سینمای ایران، عرضه کند و سیاست‌گذاران فرهنگی نظام را در برنامه‌ریزی آینده، یاری نماید.

آن چه در این مقاله به نگارش در آمده، گزارش قسمت دیگری از یک افکارسنجی از دست‌اندرکاران سینما است که نگارندگان، در بهمن ۱۳۷۵ به عمل در آورده‌اند.

این تحقیق با انگیزه دستیابی به اهداف زیر انجام گرفته است:

- الف) امکان ایجاد سینمای دینی
- ب) شرایط تحقق سینمای دینی
- ج) تعریف سینمای دینی
- د) ویژگی‌های عمومی و اختصاصی سینمای

دینی

ه) مفاد و موضوعات سینمای دینی  
در شماره‌های پیشین امکان ایجاد، تعریف و شرایط سینمای دینی مورد بررسی قرار گرفت. اینک بخش ویژگی‌های این سینما ارائه می‌شود:

تماشای آن فیلم محروم سازند. خصوصاً آن که اگر بدانیم یکی از الزامات آفرینش «درام» حضور «زن» است. در این باره گویه‌های دیگری در پرسشنامه گنجانده شده که جلوتر آن را بررسی کرده‌ایم. در خصوص گویه مزبور استفاده از جاذبه‌های جنسی برای سود اقتصادی منفی دانسته شده است که اگر مقصود دیگری غیر از کسب در آمد مطرح باشد، شاید باز خورد نمونه آماری تحقیق با آن چیز دیگری باشد.

به هر حال ۶۱/۶ درصد از پاسخ‌گویان با این گویه موافقت، در حالی که تنها ۱۵/۲ درصد از آنان با این گویه مخالفند و ۲۳/۲ درصد آن‌ها رأی ممتنع دارند. میانگین کلی نظرات (۳/۶۸) نشان می‌دهد که به طور کلی جو حاکم بر پاسخ‌دهندگان موافقت با این گویه است. هرچند بررسی‌های دیگر آماری دو دستگی اهالی جامعه آماری را در این باره تأیید می‌کند.

نتایج نشان می‌دهد که گروهی که نظارت و ممیزی سینمای ایران را به عهده دارند (با میانگین ۴/۵) با این دیدگاه موافقت شدیدی دارند و با سایرین (با میانگین ۳/۶) از این نظر تفاوت معنادار دارند.

بررسی‌های ما نشان می‌دهد که گروه طرفدار سیاست‌های انبساطی توافق چندانی با این دیدگاه ندارند و سنگینی موافقت به سمت گروهی است که به دنبال سیاست‌های انقباضی است.

۲- دومین گویه‌ای که در پرسشنامه به ویژگی سینمای دینی می‌پردازد عبارت است از:

«سینمایی که عاری از سکس و خشونت باشد، دینی است.»

میانگین کلی نظرات برابر با ۲/۴ است و این به آن معناست که به طور کلی پاسخ‌گویان با این دیدگاه مخالفند. به عبارت دیگر ۵۹ درصد از پاسخ‌گویان با این گویه مخالفت ورزیده‌اند. در حالی که ۲۵/۴ درصد از آنان رأی ممتنع داده و ۱۵/۷ درصد با آن مخالفت ورزیده‌اند. با این وصف، جامعه آماری در مجموع با این دیدگاه مخالفند.

نتایج نشان می‌دهد

که در این زمینه میان منتقدان (با میانگین ۲/۱۴) با سایرین (با میانگین برابر ۲/۶) تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب منتقدان با این دیدگاه شدیدتر از سایرین مخالفت ورزیده‌اند.

آزمون‌ها نشان می‌دهند، کسانی که در مشاغل صرفاً سینمایی اشتغال دارند (با میانگین برابر با ۲/۷) با گروهی که مشاغل مرتبط با سینما دارند (با میانگین برابر با ۲/۱) تفاوت معنادار دارند. یعنی گروه اول نسبت به گروه دوم مخالفت خفیف‌تری نسبت به این دیدگاه دارند تا جایی که رأی آن‌ها به خنثی بودن بسیار متمایل است.

آزمون مشابهی نشان می‌دهد که بین گروهی که صرفاً منتقد هستند (با میانگین ۲) و گروهی که به کارگردانی، تهیه‌کنندگی و فیلمنامه‌نویسی می‌پردازند (با میانگین ۲/۹) تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب گروه اول مخالف این دیدگاه هستند در حالی که گروه دوم در این باره رأی خنثی دارند.

این اعداد و ارقام به ما گوشزد می‌کند که آن دسته از پاسخ‌گویان که به طور علمی با صنعت سینما درگیرند، درباره این گویه با تردید نظر داده و یا نسبت به آن نظری خنثی دارند. در حالی که سایرین - از جمله منتقدان فیلم - حکم قطعی خود را مبنی بر مخالفت با آن، صادر کرده‌اند. دلیل رأی خنثی و یا به عبارت دیگر دلیل تردید گروه اول شاید به این برگردد که درباره «مقوله «سکس» و «خشونت»

تعاریف عملیاتی دقیق و ثابتی وجود ندارد. آیا منظور از «سکس»، جنسیت است؟ یا منظور «برهنگی» است؟ اگر منظور برهنگی است، حد آن کدام است؟ آیا حد آن را شریعت معین می‌کند؟ یا عرف جامعه؟ اگر شریعت آن را معین می‌کند، مبنای قضاوت، کدام شریعت است؟ شریعت اهل کتاب یا شریعت اسلام؟ اگر منظور فقط شریعت اسلام است، پس تمام فیلم‌های دینی که توسط غیر مسلمانان ساخته می‌شوند، دینی نیستند! و اگر منظور شریعت اسلام است، مبنای کار فتوای کدام یک از مراجع است؟ ضمن آن که همه می‌دانیم فتاوی عمداً در خصوص رعایت

## نسبی بودن این تعاریف باعث شده تا آن‌ها که در سینما عملاً با مقوله «سکس» و «خشونت» درگیرند نتوانند حکم قاطعی صادر کنند.

این دو مقوله در عرف جامعه ما بار ارزشی منفی پیدا کرده است. این بار منفی نیز توسط منتقدان انکار شده است آنها معتقدند الزاماً وجود یا عدم وجود آنها نیز نمی‌تواند فیلمی را دینی کند. اصلاً دینی بودن یا نبودن فیلم‌ها ربطی به این ویژگی‌ها ندارد.

«سینمای دینی سرگرم کننده است اما سرگرمی هدف آن نیست و باید هشیار کننده و آگاه کننده باشد.»

سرگرم‌کنندگی وجه غالب فیلم‌های خارجی است به طوری که هر چه تماس مخاطبان با آنها بیش‌تر می‌شود اهمیت هشیارکنندگی و امساک از غفلت برای آنها هویداتر می‌شود.

حجاب یا برهنگی در اشکال گوناگون متفاوت است. یعنی باید پرسید منظور واقعیت است یا تصویر؟ تصویر ثابت است یا متحرک؟ تصویر متحرک یا پخش مستقیم است یا پخش غیرمستقیم و غیرزنده؟ و... در خصوص «خشونت»، موضوع تعریف نشده‌تر است. و نمی‌توان درباره آن حکم قاطع و یا یک تعریف عملیاتی قابل قبول برای همه استخراج کرد. نسبی بودن این تعاریف باعث شده تا آنها که در سینما عملاً با این مقوله «سکس» و «خشونت» درگیرند نتوانند حکم قاطعی صادر کنند. از طرف دیگر این

دو مقوله در عرف جامعه ما بار ارزشی منفی پیدا کرده است. این بار منفی نیز توسط منتقدان انکار شده است. آنها معتقدند الزاماً وجود یا عدم وجود آنها نیز نمی‌تواند فیلمی را دینی کند. اصلاً دینی بودن یا نبودن فیلم‌ها ربطی به این ویژگی‌ها ندارد.

۳- سومین گویه‌ای که به نوعی به یکی از ویژگی‌های سینمای دینی اشاره دارد چنین است:

«سینمای دینی سرگرم کننده است اما سرگرمی هدف آن نیست و باید هشیار کننده و آگاه کننده باشد.»  
در این گویه سرگرمی مترادف با غفلت نیست بلکه معنایی معادل با جذابیت دارد. بر همین اساس جذابیت را شرط لازم دانسته است اما ویژگی «ایجاد خود آگاهی» را برای این نوع سینما اصل دانسته است.

۷۳ درصد از پاسخ‌دهندگان با این دیدگاه موافقت، در حالی که ۲۱/۹ درصد رأی ممتنع دارند و ۵/۱ درصد از آنان با چنین دیدگاهی مخالفت ورزیده‌اند. میانگین کلی نظرات (۳/۸۸) نشان می‌دهد؛ بطور کلی پاسخ‌دهندگان با این گویه موافقت دارند.

آزمون‌ها درباره این گویه اشاره به تفاوت میانگین نظرات دو گروه دارای تحصیلات کم‌تر از لیسانس (با میانگین ۳/۹۹) و گروه دارای تحصیلات بیش‌تر از لیسانس (با میانگین ۳/۶۶) دارد. به این ترتیب گروه اول بیشترین موافقت را با این دیدگاه داشته‌اند، در حالی که سایر گروه‌ها هم موافقت ضمنی خود را با این گویه اعلام

«سینمایی که فرهنگ ملی ما را ارائه کرده، و خود آگاهی نسبت به هویت خودی ایجاد کند و مردم را از غفلت‌های تاریخی، سیاسی بیدار کند، دینی است.»

از کجا معلوم که عدم ورود به قلمرو عقاید و مفاهیم الزاماً ما را به قلمرو احساسات راهی می‌کند.

در سینمای دینی می‌توان به نمایش گناه پرداخت به شرط آن که تأثیر آن یک تأثیر معنوی و دینی باشد.

«به فتوای علماء حکم حجاب در تصویر و تصویر متحرک با حجاب در عالم واقعیت، متفاوت است بنابراین می‌توان در سینمای دینی با رعایت نکاتی، حجاب را رعایت نکرد (مثل فیلم‌های خاکستر سبز، بازمانده و...)»

کرده‌اند.

بررسی دیگری نشان می‌دهد کسانی که هیچ‌گاه به فیلم‌های مطرح خارجی دسترسی ندارند با سایر گروه‌هایی که به این فیلم‌ها دسترسی دارند، از نظر میانگین نظرات، تفاوت معنادار دارند. این گروه با داشتن میانگین ۲/۷۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد با گروهی که گاهی به این فیلم‌ها دسترسی دارند (با میانگین ۳/۸۱) و گروهی که اغلب به این فیلم‌ها دسترسی دارند (با میانگین ۴) تفاوت معنادار دارند. به عبارت دیگر هرچه میزان دسترسی به فیلم‌های خارجی بیشتر می‌شود موافقت با این

گویه شدت می‌یابد، در حالی که عدم دسترسی به این فیلم‌ها، رأی خنثی که به سمت مخالفت میل می‌کند، در پی دارد. این نتایج نشان می‌دهد سرگرم کنندگی وجه غالب فیلم‌های خارجی است به طوری که هر چه تماس مخاطبان با آنها بیش‌تر می‌شود اهمیت هشیار کنندگی و امساک از غفلت برای آنها هویداتر می‌شود.

۴- چهارمین گویه درج شده در پرسشنامه که به نوعی به ویژگی‌های سینمای دینی اشاره دارد چنین است:

«سینمایی که فرهنگ ملی ما را ارائه کرده، و خود آگاهی نسبت به هویت خودی ایجاد کند و مردم را از غفلت‌های تاریخی، سیاسی بیدار کند، دینی است.»

این گویه مکمل گویه قبلی است. زیرا در آن علاوه بر ویژگی خودآگاهی تأکید بر هویت خودی و ملی نیز شده و همچنین ایجاد هشیارهای سیاسی و تاریخی را از ویژگی‌های سینمای دینی برشمرده است.

۵۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان به این دیدگاه رأی موافق داده‌اند در حالی که ۲۶/۹ درصد از آنان رأی ممتنع داشته و ۱۵/۷ درصد نیز مخالف این دیدگاه بوده‌اند. میانگین کلی (۳/۵۳) نشان می‌دهد که جامعه آماری ما با این دیدگاه موافقت نسبی دارند.

آزمون‌های گوناگون آماری در خصوص این گویه تفاوت خاصی را در میان گروه‌های مختلف موجود در پاسخ‌دهندگان، نشان نمی‌دهند. یعنی گروه‌های مختلف به میزان یکسانی با این دیدگاه

این گویه مخالفت بیش‌تری داشته باشند. نتایج آزمون‌های آماری درباره‌ی گروه روحانیان که از محتواگرها هستند، همین نکته را تأیید می‌کنند.

آزمون‌ها نشان می‌دهند شاعلیین در مشاغل مرتبط با سینما با گروه روحانیون در خصوص این گویه تفاوت معنادار دارند. به این معنا که گروه اول با میانگین ۲/۸ نسبت به این دیدگاه رأی خنثی دارند در حالی که گروه دوم با میانگین ۱/۹ با این دیدگاه مخالفت دارند.

آزمون‌های مشابه نشان می‌دهند کسانی که تحصیلات حوزوی دارند با سایر گروه‌های تحصیلی نیز تفاوت معنادار دارند. به این ترتیب این گروه با میانگین برابر ۲ با این گویه مخالفت در حالی که سایر گروه‌های تحصیلی و دانشگاهی با میانگین برابر ۲/۶ در خصوص این دیدگاه نظری تقریباً خنثی دارند که البته به مخالفت متمایل است.

۶- ششمین گویه‌ای که در پرسشنامه به یکی دیگر از

ویژگی‌های سینمای دینی اشاره می‌کند، این جمله است:

«در سینمای دینی ممکن است «فرم» ظاهراً غیر دینی باشد اما «محتوا» و تأثیر آن دینی باشد، مانند داستان حضرت یوسف (ع)»

این گویه به نوعی دیگر یکی از گویه‌های بخش «تعریف» را تأیید می‌کند. در آنجا آمده بود که در سینمای دینی می‌توان به نمایش‌گناه پرداخت به شرط آن که تأثیر آن یک تأثیر معنوی و دینی باشد. در آنجا مخالفت اصلی، گروه همبازی بود در حالی که در اینجا علی‌رغم آن که همان حرف زده شده، همبازی سکوت کرده است. یعنی میانگین نظراتش برابر ۲ است. به نظر می‌رسد، مثل داستان حضرت یوسف (ع) که در

۵- گویه دیگری که با تأکید بر اثرات احساس برانگیز فیلم‌های دینی، برای تأثیرات این سینما در قلمرو تفکر بهایی قائل نبوده، چنین است:

«چون اثرات تکنولوژی در قلمرو عقاید و مفاهیم وارد نمی‌شود، و تنها حالات احساسی را در افراد برمی‌انگیزد، لذا سینمای دینی نیز بیش‌تر قادر است احساس دینی را برانگیزد تا تفکر دینی را.»

این گویه که از خلال یکی از مقالات ارائه شده در اولین «هم‌اندیشی دین از چشم سینما» (۱۳۷۵) استخراج شده به لحاظ تئوریک متزلزل است. زیرا اولاً تکنولوژی را در عرصه عقاید و مفاهیم بی‌طرف و بی‌نظر تلقی کرده یعنی متأثر از همان دیدگاهی است که به سینما و سایر مظاهر مدرنیسم نگاهی ایزاری دارد. حال آن‌که این عقیده متفق‌ان و مخالفان جدی دارد، که به بخشی از این مباحث در قسمت‌های اول این سلسله مقالات اشاره شد. ثانیاً

نتیجدهای که از این فرض غلط گرفته شده ورود صرف به حالات احساسی است. از کجا معلوم که عدم ورود به قلمرو عقاید و مفاهیم الزاماً ما را به قلمرو احساسات راهی می‌کند. بنابراین به انکای این مفروضات نمی‌توان برای سینمای دینی ویژگی خاصی قابل شد و برای آن محدوده‌ای تعیین کرد.

**به نظر می‌رسد گروه روحانیان یک ویژگی کاملاً متفاوت با اهالی ممیزی سینمای ایران دارند. آنها با صراحت هر آنچه را که صحیح می‌دانند ابراز می‌کنند و غیر از درد دین دغدغه دیگری ندارند. در حالی که اهالی ممیزی غیر از دغدغه دین - که قبلاً در وجود آن تردید کرده‌ایم - دغدغه حفظ موقعیت خود در قبال گروه‌های فشار جامعه دارند.**

**ملاک عدم و یا وجود جاذبه‌های جنسی در فیلم‌ها «عرف» حاکم در میان مخاطبان است و آن اقلیتی که با هر محرک ضعیفی، تحریک می‌شوند، شرعاً مکلفند که خود را از تماشای آن فیلم محروم سازند.**

**موضوع جاذبه‌های جنسی در سینما، که میل غریزی افراد را تحریک می‌کند، محل بحث‌های مهمی در عرصه احکام شرعی است.**

**واضح است که استقبال از فیلم‌ها فی‌نفسه امر مذمومی نیست. اما باید دید که این استقبال از چه چیزی صورت گرفته است.**

میانگین کلی ۲/۵۵ مؤید آن است که نمونه جامعه آماری در این پژوهش با این گویه مخالفت ضمنی دارند. به هر حال ۶۰/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان با این گویه مخالفت، در حالی که ۲۰/۶ درصد از آنها با این دیدگاه موافقت و ۱۹/۱ درصد نیز رأی خنثی دارند. به نظر می‌رسد گروه‌هایی که قبلاً از آنها به عنوان «محتواگرا» یاد کرده‌ایم، با

قرآن به عنوان «احسن القصص» روایت شده، آن‌ها را به این انفعال کشیده است. اینجا دیگر همه گروه‌ها در تأیید این گویه توافق دارند. موافقت ۶۹/۷ درصد پاسخ‌دهندگان با این دیدگاه و رأی ممتنع ۱۷/۴ درصد آنها و میانگین کلی نظرات (۳/۷۴) نشان می‌دهد، بطور کلی نمونه جامعه آماری تحقیق، تقریباً با این دیدگاه موافق هستند.

آزمون آماری مربوطه نشان می‌دهد گروه دارای تحصیلات حوزوی (با میانگین برابر ۳/۳۷) و گروه دارای تحصیلات کمتر از لیسانس (با میانگین ۳/۸۴) با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. به این ترتیب گروه اول در این زمینه نظری تقریباً موافق دارند. میانگین‌های سایر گروه‌های تحصیلی نیز نشان می‌دهد که این گروه‌ها با دیدگاه مورد بحث موافقت دارند. علی‌رغم آن که رأی گروه اول به سمت موافقت میل می‌کند باید توجه داشته باشیم که آن‌ها به خاطر روحانی بودنشان تا حدودی نسبت به رعایت ظاهر دینی حساسیت دارند و این موضوع شدت موافقت آن‌ها را کاهش داده است.

۷- هفتمین گویه‌ای که به یکی دیگر از ویژگی‌های سینمای دینی اشاره کرده به حکم حجاب در تصویر متحرک برمی‌گردد: «به فتوای علماء حکم حجاب در تصویر و تصویر متحرک با حجاب در عالم واقعیت، متفاوت است بنابراین می‌توان در سینمای دینی با رعایت نکاتی، حجاب را رعایت نکرد (مثل فیلم‌های خاکستر سبز، بازمانده و...)»

این گویه گوشه‌ای از آنچه که قبلاً در خصوص «برهنگی» ذکر کرده‌ایم را به رأی گذاشته است.

در خصوص این دیدگاه ۶۰/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلان موافقت کرده‌اند، در حالی که تنها ۱۵/۸ درصد از آنان ابراز مخالفت و ۲۳/۳ درصد نیز رأی ممتنع داده‌اند. اگرچه میانگین کلی (۳/۶) نیز حاکی از موافقت نسبی پاسخ‌گویان با این دیدگاه است، اما بررسی‌های دیگر به دو دستگی میان جامعه آماری در این خصوص اشاره دارد. این دو دسته همان گروه‌های طرفداران سیاست‌های انقباضی و انبساطی هستند که اولی به مخالفت و دومی به موافقت برخاسته‌اند.

آزمون‌های مربوطه نشان می‌دهد بین دارندگان تحصیلات حوزوی (با میانگین ۴/۲) و سایر گروه‌های تحصیلی (گروه دارای تحصیلات کمتر از لیسانس با میانگین ۳/۶۵ و گروه دارای تحصیلات برابر با لیسانس با میانگین ۳/۵۵ و گروه دارای تحصیلات بیشتر از لیسانس با میانگین ۳/۷۴) تفاوت معنادار وجود دارد. با این وصف اگرچه تقریباً همه این گروه‌ها با این دیدگاه موافقت دارند اما گروه دارای تحصیلات حوزوی با این گویه موافقت شدیدتری ابراز کرده‌اند و قاطعانه‌تر از سایر گروه‌ها بر این امر صحنه می‌گذارد که در سینمای دینی می‌توان با رعایت نکاتی، حجاب را رعایت نکرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که گروه ممیزی سینمای ایران (با

میانگین برابر با ۲/۷۱) با سایرین (با میانگین برابر با ۳/۷) تفاوت معنادار دارند. به این ترتیب سایرین با این دیدگاه موافقت، در حالی که گروه مزبور نسبت به دیدگاه مورد بحث مخالفت ضمنی دارند. مخالفتی که البته به سمت خنثی بودن میل می‌کند. این یافته‌ها عمق اختلاف نظر میان گروه ممیزی و روحانیان را نیز نشان می‌دهد. علت این اختلاف شدید چیست؟ به نظر می‌رسد گروه روحانیان یک ویژگی کاملاً متفاوت با اهالی ممیزی سینمای ایران دارند. آنها با صراحت هر آنچه را که صحیح می‌دانند، ابراز می‌کنند و غیر از درد دین دغدغه دیگری ندارند. در حالی که اهالی ممیزی غیر از دغدغه دین - که قبلاً در وجود آن تردید کرده‌ایم - دغدغه حفظ موقعیت خود در قبال گروه‌های فشار جامعه دارند. به گمان ما علت اصلی فاصله دیدگاه‌های آن‌ها با روحانیون در این است. ضمن آن که آن‌ها نسبت به دین شناخت کمتری در قیاس با روحانیان دارند.

بررسی‌های دیگر همچنین نشان می‌دهد که بین میانگین نظرات گروه کارگردانان (۳/۳) و سایرین (۳/۷) در این زمینه تفاوت معنادار وجود دارد. به این ترتیب کارگردانان نسبت به موضوع مورد بحث نظری خنثی ابراز کرده‌اند، در حالی که سایرین در این باره نظری مثبت دارند. تردید کارگردانان در این باره البته به مشکلات حرفه‌ای آن‌ها برمی‌گردد. زیرا آن‌ها هراس دارند تا با عمل به این دیدگاه در برابر گروه‌های متعصب فشار دچار مشکل شده و یا در مقابل تیغ قیچی ممیزی آسیب ببینند. ■